

[View the original article](#)

فراتر از خبر

شعار علیه «رؤیای رهبری»: حملات تازه به حسن روحانی چه معنایی دارد؟

وحید پوراستاد

۱۴۰۵/مهر/۰۸



جرقه موج تازه حملات، حرف‌های روحانی در دیدار ۹ شه‌ریور با استانداران دولت‌هایش بود. او گفت اگر قرار است ایران «با قدرت‌های بزرگ جهانی ۲۰ سال دیگر» بجنگد، این هدف باید با مردم در میان گذاشته شود

یک جمله در میان شعارهای حامیان تندرو حکومت، مقابل خانه حسن روحانی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، با بقیه فرق داشت. معترضان فقط خواهان محاکمه او نبودند. شعار دیگری هم داشتند: «فریدون حیل‌گر، رؤیای رهبری تو به گور ببر».

این تجمع ۳۰ شه‌ریور برگزار شد. در ویدئوهای منتشرشده، علیه محمد خاتمی، رئیس‌جمهور پیشین ایران، محمدجواد ظریف، وزیر خارجه پیشین، و روحانی نیز شعار داده می‌شود: «مرگ بر سه مزدور سفیانی؛ خاتمی و ظریف و روحانی». هویت برگزارکنندگان و وابستگی سازمانی آن‌ها روشن نیست. آن‌ها خود را «جانفدایان رهبر و نظام» معرفی می‌کردند. اما اشاره به «رهبری» در حمله به سیاستمداری که پنج

سال است ریاست‌جمهوری را ترک کرده، اتفاق تازه‌ای هم نیست. نام روحانی پیش‌تر، هنگام رد صلاحیتش برای مجلس خبرگان، به نزاع بر سر جانشینی کشیده شده بود.

جرقه موج تازه حملات، حرف‌های روحانی در دیدار ۹ شهریور با استانداران دولتهایش بود. او گفت اگر قرار است ایران «با قدرت‌های بزرگ جهانی ۲۰ سال دیگر» بجنگد، این هدف باید با مردم در میان گذاشته شود: «اگر مردم گفتند ما قبول داریم، خیلی هم خوب است و برویم ادامه دهیم. اما اگر مردم نپذیرفتند و راه دیگری را نشان ما دادند، ما نمی‌خواهیم بپذیریم؟» روحانی این بحث را به اصل دیگری هم پیوند زد: این‌که هیچ‌کس در جمهوری اسلامی «از جانب خود یا خدا، حاکم نیست» و قدرت مقام‌ها مستقیم یا غیرمستقیم از رأی مردم می‌آید.

منتقدان، اشاره روحانی به نظر مردم را به پیشنهاد همه‌پرسی درباره ادامه جنگ تعبیر کردند. کیهان از «اسم رمز رفراندوم» نوشت و حسین شریعت‌مداری، مدیرمسئول آن، سخنان روحانی و محمد خاتمی درباره پایان جنگ و صلح را حرکت به سوی «تسلیم» خواند. خبرگزاری تسنیم نزدیک به سپاه پاسداران نیز روحانی را به «دوقطبی‌سازی» متهم کرد.

روحانی در آن سخنرانی به‌طور مستقیم از «رفراندوم» یا «همه‌پرسی» نام نبرده بود. چند هفته بعد، پس از بالا گرفتن واکنش‌ها، صریحاً گفت: «اصلاً من نه کلمه رفراندوم را گفتم و نه کلمه همه‌پرسی را گفتم». توضیحش این بود که دفاع در برابر «تجاوز» بدیهی است و حرف او به «پشتوانه ملی برای اهداف ملی» مربوط می‌شد. همزمان بر پایان عزتمندانه جنگ، رسیدن به امنیت پایدار و بازگشت کشور به مسیر توسعه تأکید کرد.

بیشتر در این باره:

«شیخ خسارت»؛ چرا رسانه‌های سپاه به روحانی حمله کردند؟



حملات تند مشاور قالیباف

در میان حملات، حرف‌های مهدی محمدی، مشاور راهبردی محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی، از همه تندتر بود.

آقای محمدی در یک فایل صوتی در کانال تلگرامش ابتدا سناریویی برای دور بعدی جنگ ترسیم می‌کند. او می‌گوید یکی از گزینه‌های آمریکا و اسرائیل برای «لحظه صفر» می‌تواند ترور یک لایه دیگر از سران جمهوری اسلامی باشد. بعد سراغ حسن روحانی می‌رود و حرف‌های آن‌ها را بخشی از محاسبه دشمن می‌داند.

اتهام محمدی به روحانی روشن است: از نگاه او، روحانی و بخشی از جریان اصلاحات با مواضع خود به آمریکا و اسرائیل پیام می‌دهند که اگر یک لایه دیگر از سران جمهوری اسلامی ترور شود، در داخل ایران نیرویی وجود دارد که می‌تواند از خلأ ایجادشده استفاده کند، قدرت را به دست بگیرد و تغییرات مورد نظرش را پیش ببرد. مشاور قالیباف، کسانی را که به گفته او آگاهانه چنین پیامی می‌فرستند به «خیانت به کشور» متهم می‌کند.

در روایت محمدی، روحانی دیگر فقط رئیس‌جمهوری سابق با کارنامه‌ای محل مناقشه نیست؛ او بخشی از نیرویی است که ممکن است پس از ضربه‌ای دیگر به رأس جمهوری اسلامی برای قدرت خیز بردارد.

مخالفان حسن روحانی و آینده سیاسی او

حسن روحانی در ایران امروز واقعاً چه ویژگی دارد که هنوز مخالفانی درون ساختار، آینده سیاسی او را موضوع حمله قرار می‌دهند؟

در ساختار رسمی، چیز زیادی برایش باقی نمانده است. از مرداد ۱۴۰۰ از قوه مجریه بیرون است. عضویتش در مجمع تشخیص مصلحت نظام در ترکیب جدید سال ۱۴۰۱ تمدید نشد. شورای نگهبان نیز در دی ۱۴۰۲ صلاحیتش را برای ششمین دوره مجلس خبرگان تأیید نکرد. امروز نه در دولت است، نه در خبرگان، نه در مجمع تشخیص و نه در رأس یک نهاد امنیتی یا نظامی.

اما این پایان یک سابقه معمول سیاسی نبود. روحانی پنج دوره نماینده مجلس شورای اسلامی بود و نایب‌رئیس آن را تجربه کرد. در دوران جنگ ایران و عراق مسئولیت‌های دفاعی داشت. از زمان تشکیل شورای عالی امنیت ملی در سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ شانزده سال دبیر آن بود و سال‌ها به نمایندگی از علی خامنه‌ای در این شورا حضور داشت. مسئول مذاکرات هسته‌ای شد، سه دوره عضو مجلس خبرگان بود، سال‌ها در مجمع تشخیص مصلحت نظام حضور داشت و از ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰ رئیس‌جمهور بود.

کارنامه او چند بخش متفاوت از ساختار جمهوری اسلامی را به هم وصل می‌کند: جنگ، مجلس، شورای عالی امنیت ملی، پرونده هسته‌ای، خبرگان و ریاست‌جمهوری.

روحانی امروز موقعیتی در نیروهای مسلح یا در دستگاه‌های اطلاعاتی ندارد. سرمایه‌ای که از آن سابقه برایش مانده، شناخت ساختار و آدم‌های آن است؛ حاصل چهار دهه حضور در مراکز تصمیم‌گیری امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی.

در دستگاه اجرایی هم بخشی از مدیران دولت‌های یازدهم و دوازدهم همچنان با او در ارتباطند. دیدار اخیر گروهی از وزرا، استانداران و فرمانداران آن دو دولت با روحانی نمونه‌ای از ادامه همین ارتباط است. این حلقه با یک شبکه منسجم قدرت فاصله دارد، اما نشان می‌دهد هشت سال دولت روحانی بدون باقی گذاشتن مجموعه‌ای از روابط سیاسی و مدیریتی تمام نشده است.

بیشتر در این باره:

نهاد قدرت در ایران، پس از علی خامنه‌ای، در دست کیست؟



بخش دشوارتر، جامعه است.

داده معتبر و تازه‌ای وجود ندارد که میزان حمایت امروز جامعه ایران را از روحانی اندازه بگیرد. ۱۸ میلیون رأی سال ۱۳۹۲ و ۲۳ میلیون رأی سال ۱۳۹۶ به ایران دیگری تعلق داشت. پس از آن، آمریکا از برجام خارج شد، تحریم‌ها بازگشتند، اقتصاد زیر فشار شدید رفت و اعتراضات دی‌ماه ۱۳۹۶ و آبان ۱۳۹۸ در دوره ریاست‌جمهوری روحانی رخ داد. بخشی از جامعه نام او را با برجام و تلاش برای کاهش تنش خارجی به یاد می‌آورد و بخشی با ناکامی‌های دوره دوم دولتش.

هر بحثی درباره بازگشت روحانی به این مجهول می‌رسد: سابقه و ارتباطات درون حکومت یک چیز است و توان بسیج حمایت اجتماعی چیزی دیگر.

جنگ، فشار خارجی، بحران اقتصادی و تغییر رهبری، مسئله اداره کشور در لحظه بحران را دوباره به مرکز سیاست ایران آورده است. سابقه شانزده ساله روحانی در شورای عالی امنیت ملی، مدیریت پرونده هسته‌ای، هشت سال ریاست جمهوری و تجربه مذاکره با غرب، همان بخش‌هایی از کارنامه اوست که در چنین وضعی دوباره موضوعیت پیدا می‌کند.

روحانی در هفته‌های اخیر دوباره همان نسخه قدیمی خود را عرضه کرده است. می‌گوید موشک و پهپاد ابزار دفاع‌اند، اما دیپلماسی و مذاکره هم ابزار دفاع‌اند. جنگ باید جایی به امنیت پایدار برسد و کشور را دوباره به مسیر توسعه برگرداند. مخالفانش همین نگاه را تجربه شکست‌خورده برجام می‌دانند؛ توافقی که دولت روحانی در سال ۱۳۹۴ به آن رسید و سه سال بعد دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، کشورش را از آن خارج کرد.

پشت این جدال، دو تلقی از امنیت هم دیده می‌شود: یک طرف بر مقاومت و بازدارندگی نظامی تأکید بیشتری می‌گذارد؛ روحانی قدرت نظامی را بدون مذاکره و راه خروج سیاسی از بحران کافی نمی‌داند.

ردصلاحیت روحانی برای مجلس خبرگان رهبری این نزاع را پیش‌تر به مسئله قدرت آینده پیوند زده بود.

روحانی پس از کنار گذاشته شدن از انتخابات دوره ششم خبرگان نوشت: «من می‌دانم که چرا وجود یک جریان مستقل و منتقد در دوره ششم خبرگان تحمل نشد». او آن دوره را «مهم و سرنوشت‌ساز» خواند و گفت حضور خودش و «افرادی چون من» برای فقه‌های شورای نگهبان «نگران‌کننده» بوده است. شورای نگهبان دلیلی برای رد صلاحیت او اعلام نکرد.

بیشتر در این باره:

روبین: نگرانم ترامپ قدرت را به کسی مانند روحانی منتقل کند



محمدجواد کریمی‌قدوسی، نماینده پیشین و تندرو مجلس شورای اسلامی و از منتقدان سرسخت روحانی، همان روزها پرده‌پوشی کمتری داشت. او نوشت: «کسی که استعداد و اراده سقیفه‌سازی را داشت توسط شورای محترم نگهبان رد صلاحیت شد». «سقیفه» در تاریخ اسلام با منازعه جانشینی پس از مرگ پیامبر پیوند خورده است. کریمی‌قدوسی عملاً حضور روحانی در خبرگان را با مسئله جانشینی گره می‌زد.

اکنون علی خامنه‌ای دیگر در رأس جمهوری اسلامی نیست، مجتبی خامنه‌ای رهبر شده، هر چند تاکنون از او صدا و تصویری منتشر نشده، و روحانی هم در خبرگان حضور ندارد. اما موضوع قدرت آینده از حملات علیه او بیرون نرفته است. مقابل خانه‌اش شعار «رؤیای رهبری تو به گور ببر» شنیده می‌شود. مشاور قالیباف هم از سناریویی حرف می‌زند که در آن پس از ترور یک لایه دیگر از مقام‌ها، روحانی و متحدان سیاسی‌اش می‌توانند برای گرفتن قدرت وارد میدان شوند.

از «سقیفه‌سازی» کریمی‌قدوسی تا اتهام امروز محمدی، موضوع ثابت قدرتی نیست که روحانی اکنون در اختیار دارد؛ بحث بر سر موقعیتی است که مخالفانش تصور می‌کنند ممکن است در لحظه آشفته‌گی در ساختار قدرت پیدا کند.

حسن روحانی امروز حزب قدرتمندی در اختیار ندارد. نیروی نظامی ندارد. منصب رسمی مهمی ندارد. وزن اجتماعی فعلی‌اش هم قابل اندازه‌گیری نیست. اما هنوز مجموعه‌ای از مدیران سابق، تجربه بالا در امنیت ملی و دولت، سابقه مذاکره با غرب و رفع تحریم‌ها و یک پاسخ سیاسی مشخص برای خروج از بحران دارد.

هیچ‌کدام از این‌ها به‌خودی‌خود مسیر بازگشت به قدرت نیست. حملات امروز هم دقیقاً بر احتمال دیگری متمرکز شده‌اند: لحظه‌ای که بحران، آرایش نیروهای درون ساختار را تغییر دهد.

پنج سال پس از پایان ریاست‌جمهوری حسن روحانی، مخالفانش هنوز فقط درباره عملکرد دولت او دعوا نمی‌کنند. از «تسلیم» و «خیانت» می‌گویند، از احتمال بازگشت او و متحدانش به قدرت حرف می‌زنند و حتی علیه «رؤیای رهبری» او شعار می‌دهند.

حسن روحانی امروز در مرکز قدرت نیست. اما مخالفانش هنوز درباره روزی ابراز نگرانی می‌کنند که شاید دوباره به آن نزدیک شود.

وحید پوراستاد



وحید پوراستاد نزدیک به دو دهه فعالیت روزنامه‌نگاری در روزنامه‌های مختلف ایران را در کارنامه خود دارد. او از اواخر سال ۸۹ به تحریریهٔ رادیو فردا پیوست و در مدت فعالیت خود در رادیو فردا چندین مستند رادیویی و تلویزیونی نیز از جمله «سلول انفرادی»، «سی جنجال یک رئیس‌جمهور»، «پرونده قاضی سعید مرتضوی» و فیلم مستند «در اتاق بازجویی» را ساخته است.

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

سیاسی